

یادداشت

عبور نواصولگرایان از اصولگرایان سنتی



مهدی عرب صادق  
فعال سیاسی اصولگرا

باشنه آشیل اصولگرایان پدرخواندگی بود. غایب مهم این انتخابات احزاب بودند و رسماً اثبات شد که احزاب در کشور ما جایگاهی ندارند! عبور نواصولگرایان از اصولگرایان سنتی، ثمره سال‌ها تمایزخواهی بوده است و البته پر واضح است عمر نواصولگرایی طول نخواهد یافت و حداکثر عمر سیاسی تندروها یک دوره مجلس خواهد بود و از خدای متعال می‌خواهیم با کمترین هزینه این برملت بگذرد. این انتخابات سه نتیجه داشت اول پایان زعامت پدرخوانده‌ها که بقایشان را در غیبت مردم در انتخابات یافته بودند، دوم پیام ملت بود به نمایندگانی که جایگاهی برای ملت قائل نبودند مثل فلان نماینده سیلی زن! مشخص این انتخابات رکورد پایین‌ترین مشارکت و بالاترین آرای باطله بود که طبقاً بر سازوکار دموکراسی هزینه‌هایی خواهد داشت چرا که رای مردم در این انتخابات کاملاً سلیبی بود و نه ایجابی! مفهوم این رای «نه» اعتراضی بود به اشخاص و به روش‌ها و به مشی حکمرانی! در دور دوازدهم انتخابات مجلس قامت انتخابات کوتاه‌تر و نهاد انتخابات ضعیف‌تر شد! رادیکالیسم ثمره جسم تحریف انتخابات است و این آسیب جدید به منافع کلان نظام و مردم است. نمود رادیکالیسم در این انتخابات از یک سو تحریم انتخابات و روی دیگر این سکه ظهور تندروهاست. گرچه چهره‌های مثبت و موثری در این مجلس وارد شده‌اند، اما شرایط غالب طوری است که مجلس یازدهم آرزوی مردم می‌شود و نگهداشت شرایط امروز معجزه خواهد بود. شرط و شروط آقای حداد نیز برای کاندیداهای شانا مبنی بر عدم مخالفت با دولت ضربه‌ای جدی را با این لیست وارد کرد؛ چرا مجلس جای وکلای ملت است و نه وکیل الدوله‌ها! رویکردهای صاحبان لیست‌ها بازی با اعصاب و روان مردم بود و مردم نشان دادند دوران رای لیستی تمام شده است؛ گرچه مردم با تندروها همراه نبودند ولی برای «نه» گفتن به عاملان وضع موجود از آنها استفاده کردند! در سوی دیگر متأسفانه کمای سیاسی اصلاح‌طلبان به قدری عمیق است که حتی به قدری باجوش‌های پای چنار نتوانستند نقش آفرین باشند. انتخابات ضعیف بود و به تعبیر مقام معظم رهبری از این ضعف همه آسیب خواهند دید؛ رادیکالیسم سیاسی به رادیکالیسم در اجتماع بدل شده که البته بخش‌هایی از جامعه حاضر با آشتی با صندوق رای نیستند، این بخش قابل توجه جامعه در ناراحتی خود حق دارند ولی دیدیم که قهر با صندوق چه خروجی خلق می‌کند! خلق و خوی باندسالارانه برخی پدرخواندگان باعث شد امروز کسانی که برای نظام و انقلاب هزینه ندهاده جایگزین شخصیت‌هایی اصیل شوند که تربیت آنها برای انقلاب و کشور دیگر با این شرایط ممکن نخواهد بود. به نظر می‌رسد مجلس دوازدهم از دولت سیزدهم عبور خواهد کرد.

خبر

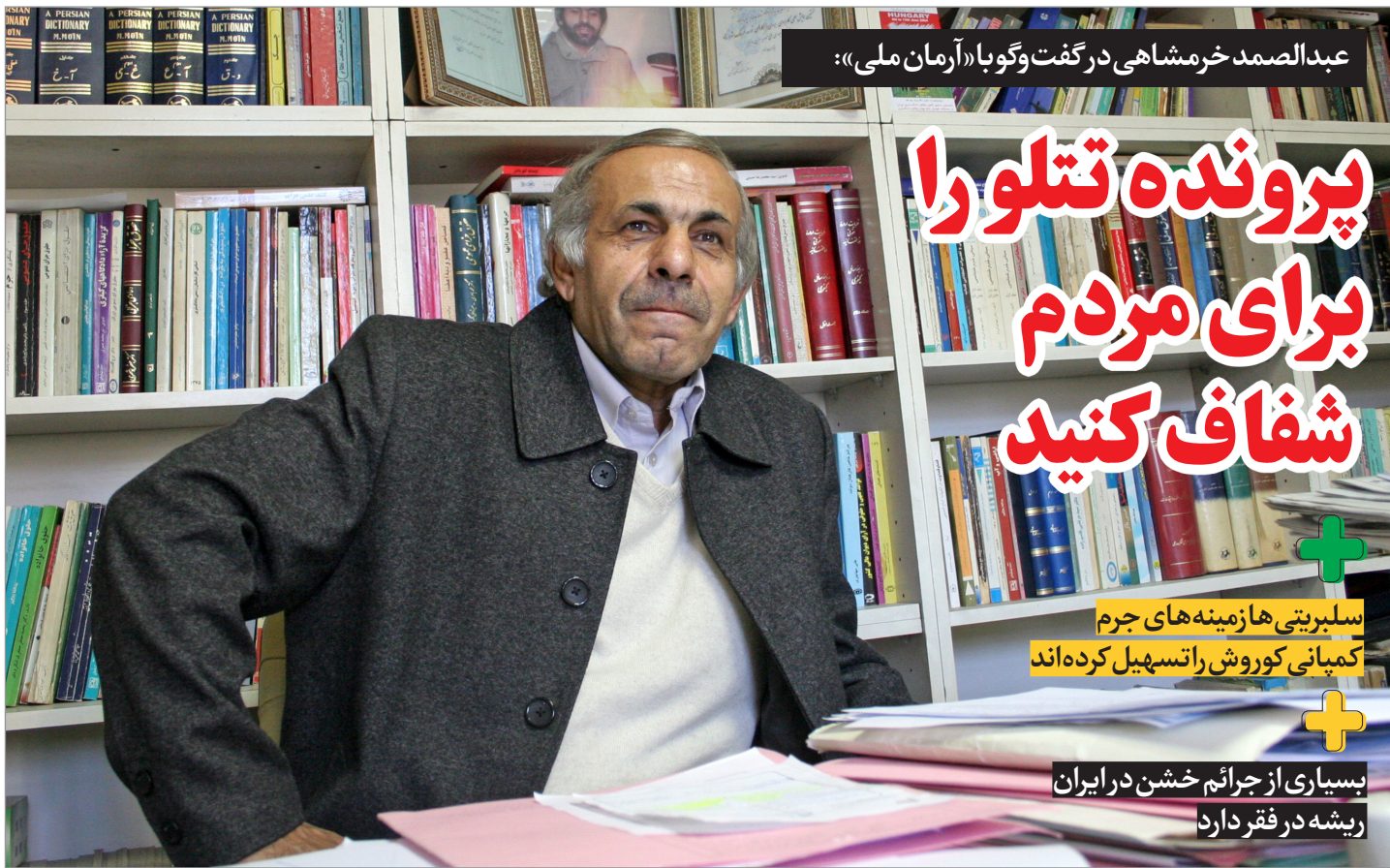
مجید صفاتاج:

وضع عربستان تأثیری در رفتار اسرائیل ندارد

یک کارشناس مسائل اسرائیل و فلسطین با اشاره به صدور مجوز از سوی اسرائیل برای ساخت و ساز شهرک‌های جدید صهیونیست‌نشین اظهار داشت: شهرک‌سازی‌های یهودی‌نشین توسط اسرائیل از ابتدای بنیانگذاری این رژیم به جهت تسلط و تثبیت سلطه ارضی در دستور کار اسرائیل قرار گرفت که ریشه آن را باید انتقال یهودی‌ها به سرزمین‌های اشغالی دانست. مجید صفاتاج گفت: توجه داشته باشید که انتقال یهودی‌ها به معنای تزییق خون در رگ‌های حیات اسرائیل است به همین دلیل باید شهرک‌سازی‌ها را نوعی نقش مکمل در جهت تثبیت کردن روند مذکور دانست. اگر شهرک‌سازی‌ها وجود نداشته باشد، بدون شک انتقال یهودی‌ها به اراضی اشغالی امکان پذیر نیست اما نکته مهم این است که توسعه شهرک‌ها علاوه بر اشغال منطقه عرب‌نشین، به نوعی حکم تأسیس یک پایگاه و پادگان را برای رژیم صهیونیستی دارد؛ چرا که اسرائیل از تسلیح شهرک‌ها به دنبال آن است تا در این راستا هر وقت نزاع با فلسطینی‌ها در گرفت، از این شهرک‌ها علیه آنها استفاده کنند. وی ادامه داد: این در حالیست که اسرائیل مناطق شهرک‌نشین را یک سپر دفاعی و ساکنان آن را یک نیروی واکنش سریع در غیاب ارتش رژیم صهیونیستی می‌داند. به همین جهت این شهرک‌ها هم از جنبه امنیتی و هم از جنبه سیاسی - اجتماعی برای اسرائیل اهمیت زیادی دارد. با این تفاسیر حالا شورای عالی برنامه‌ریزی و شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی آن هم در بجزوچه جنگ غزه مجوز احداث سه هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی جدید برای شهرک‌نشینان در کرانه باختری را صادر کرده که یک اقدام برخاسته از کابینه افراط‌گرای نتانیاهو به حساب می‌آید. در این میان اگرچه عربستان این موضوع را محکوم کرده اما باید توجه داشت که چنین اقدامی صرفاً از سوی ریاض از حیث شکلی محکوم شده ولی در پس این روند روابط پنهان وجود دارد. این تحلیل‌گر مسائل سیاسی تصریح کرد: به همین دلیل مواضع ریاض با وجود آنکه بسیار پر هیاهو بود اما هیچ تأثیری بر جنایات اسرائیل و کوتاه آمدن این رژیم از گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری نداشته و ندارد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که مخالفت غرب و حتی کشورهای عربی با ساخت و سازها در کرانه باختری عموماً جنبه شکلی و ظاهری دارد. زمانی که رئیس جمهوری آمریکا اعلام می‌کند که من یک یهودی هستم، اساساً این پیام مخابره می‌شود که واشنگتن با اسرائیل در هماهنگی کامل در تمامی سطوح قرار دارد.

عبدالصمد خرمشاهی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

پرونده تتلورا برای مردم شفاف کنید



سلبریتی‌ها زمینه‌های جرم کمپانی کوروش را تسهیل کرده‌اند

بسیاری از جرائم خشن در ایران ریشه در فقر دارد

آرمان ملی- احسان انصاری: تتلورا با همه حاشیه‌هایی که داشت در نهایت کارش به محاکم قضائی کشیده شد و مشخص نیست چه سرنوشتی در انتظار اوست. این در حالی است که وی با اتهامات متعددی مواجه شده است. از سوی دیگر در هفته‌های اخیر کلاهبرداری کمپانی کوروش که با تبلیغات سلبریتی‌ها همراه بود سرو و صدای زیادی پدیدار کرد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوعات و چرایی افزایش جرائم در جامعه با عبدالصمد خرمشاهی، جرم‌شناس و وکیل دادگستری گفت‌وگو کرده است. خرمشاهی معتقد است: «با دقت به جرائم رخ داده در کشور متوجه می‌شویم جرائم در ایران با دو اتفاق مهم مواجه شده است. نخست اینکه جرائم نسبت به گذشته خشن‌تر و بی‌پرده‌تر شده و دوم اینکه قبح جرم در جامعه در حال فرو ریختن است و بسیاری از مجرمان با علم به عاقبت کار خود دست به ارتکاب جرم می‌زنند. همه این اتفاقات نشان می‌دهد که جامعه به سمت خشن‌تر در حال حرکت است و اگر جامعه‌شناسان و روانشناسان برای آن راه حل منطقی و علمی پیدا نکنند پیامدهای ناگواری در انتظار جامعه خواهد بود. افزایش جرائم در جامعه و وضعیت موجود معلول رویکردهای کوتاه مدت نیست و بلکه برای بررسی این پدیده اجتماعی باید رویکردهای کلی و بلندمدت جامعه را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اولین جلسه رسیدگی به اتهامات تتلورا برگزار شد. این در حالی است که هنوز جزئیات کیفرخواست وی منتشر نشده است. با توجه به حساسیت‌های این پرونده ارزیابی‌های شما روند قضائی پرونده تتلورا چیست؟

از زمانی که تتلورا دستگیر شده تاکنون هنوز درباره جزئیات پرونده وی و اینکه چه تخلفاتی داشته است به صورت رسمی صحبت نشده است. آنچه درباره وی مطرح است بیشتر گمانه زنی‌های رسانه‌ای است و نه آنچه در پرونده قضائی وی در جریان است. تتلورا به دلیل دنبال‌کنندگانی که در فضای مجازی دارد مورد توجه قرار گرفته و به همین دلیل پرونده وی نیز در شرایط کنونی توسط افکار عمومی دنبال می‌شود. تا زمانی که جزئیات پرونده وی به صورت رسمی اعلام نشود نمی‌توان درباره وی قضاوت کرد. برخی عنوان می‌کنند جرائم وی در اندازه افساد فی الارض است که مشخص نیست چه دلایلی برای این ادعا دارند.

وضعیت تتلورا به صورتی است که مصداق مفسد فی الارض باشد؟

من نمی‌توانم در این زمینه به صورت قاطع صحبت کنم که آیا وی مصداق مفسد فی الارض است و یا خیر. در شرایط کنونی ما در این زمینه کلی صحبت می‌کنیم. سوال مهمی که در این زمینه مطرح است که چرا درباره پرونده تتلورا اطلاع‌رسانی شفاف صورت نمی‌گیرد. نکته دیگر اینکه در این پرونده بحث تعدد جرم مطرح است. به همین دلیل باید بحث تعدد جرم طبق قانون مجازات اسلامی رسیدگی شود و طبیعتاً برای چنین جرایمی مجازات اشد در نظر گرفته خواهد شد. سکینان و مدعیان خصوصی هم اگر خسارتی مادی یا معنوی بر آنها وارد شده باشد باید در دادگاه مطرح و مطالبه کنند. واقعیت این است که افراد زیادی طرفدار این فرد هستند. تا جایی که تثلیث راه انداخته شد. اینجا چند نکته وجود دارد. باید دید این شخصیت چه کاریزمی داشته که اینقدر نوجوانان و جوانان طرفدار او هستند؛ کسی که رفتار نامتعارف دارد و در برخی موارد مواد مخدر استفاده و جوانان و نوجوانان را هم تشویق می‌کند. در نتیجه باید دید صدای این فرد باعث شده طرفدار داشته باشد یا نوجوانان و جوانان در نهان خود، با رفتارهای تتلورا هم‌پنداری می‌کنند به هر حال می‌دانیم که تتلورا ذهن کچی‌هایی به سنت، قوانین و چارچوب‌های اخلاقی داشته است. شاید جوان یا نوجوانی این رفتارها را می‌پسندد. وقتی جوانان از طریق راه سالم نمی‌توانند علایق خود را بروز دهند چه بسا به سمت افرادی می‌روند که ارزش‌ها را نادیده می‌گیرند. حالا چرا تتلورا به این نقطه می‌رسد که چنین رفتارهایی را از خود بروز می‌دهد، به عوامل مختلف روحی و بیرونی بستگی دارد. از جمله ژنتیک، محیط خانواده، جامعه و... هرچند فقط تتلورا نیست که چنین رفتارهایی از خود نشان می‌دهد و شاید افرادی

تتلورا به دلیل دنبال‌کنندگانی که در فضای مجازی دارد مورد توجه قرار گرفته و به همین دلیل پرونده وی نیز در شرایط کنونی توسط افکار عمومی دنبال می‌شود. تا زمانی که جزئیات پرونده وی به صورت رسمی اعلام نشود نمی‌توان درباره وی قضاوت کرد. برخی عنوان می‌کنند جرائم وی در اندازه افساد فی الارض است که مشخص نیست چه دلایلی برای این ادعا دارند

به حساسیت موضوع لازم است برخورد جدی شود. در آینده با توجه به تکرار این‌گونه جرایم، دستگاه‌های نظارتی مسئولیت دارند تا نظارت بیشتری کنند و بحث پیشگیری از وقوع جرم باید در جامعه در تشکیلات قضائی ما بیشتر جدی گرفته شود.

اتفاق دیگری که در جامعه ما رخ داده افزایش جرائم خشن است. اتفاقاتی مانند حمله یک سرباز به چند سرباز دیگر و کشتن آنها و یا فردی که تعدادی از اعضای خانواده خود را به گلوله بست. این جرائم خشن چه پیامی به ما می‌دهد؟

مهم‌ترین پیام این اتفاق این است که جامعه در حال خشن‌تر شدن است. در شرایط کنونی اغلب جرائم ریشه در فقر مالی و فرهنگی دارند. این در حالی است که نقش فقر اقتصادی بیشتر به نظر می‌رسد. با دقت به جرائم رخ داده در کشور متوجه می‌شویم جرائم در ایران با دو اتفاق مهم مواجه شده است. نخست اینکه جرائم نسبت به گذشته خشن‌تر و بی‌پرده‌تر شده و دوم اینکه قبح جرم در جامعه در حال ریختن است و بسیاری از مجرمان با علم به عاقبت کار خود دست به ارتکاب جرم می‌زنند. همه این اتفاقات نشان می‌دهد که جامعه به سمت خشن‌تر در حال حرکت است و اگر جامعه‌شناسان و روانشناسان برای آن راه حل منطقی و علمی پیدا نکنند پیامدهای ناگواری در انتظار جامعه خواهد بود. افزایش جرائم در جامعه و وضعیت موجود معلول رویکردهای کوتاه مدت نیست و بلکه برای بررسی این پدیده اجتماعی باید رویکردهای کلی و بلندمدت جامعه را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. هدف ما در این گفت‌وگو بررسی این موضوعات و چرایی افزایش جرائم در جامعه با عبدالصمد خرمشاهی، جرم‌شناس و وکیل دادگستری گفت‌وگو کرده است. خرمشاهی معتقد است: «با دقت به جرائم رخ داده در کشور متوجه می‌شویم جرائم نسبت به گذشته خشن‌تر و بی‌پرده‌تر شده و دوم اینکه قبح جرم در جامعه در حال ریختن است و بسیاری از مجرمان با علم به عاقبت کار خود دست به ارتکاب جرم می‌زنند. همه این اتفاقات نشان می‌دهد که جامعه به سمت خشن‌تر در حال حرکت است و اگر جامعه‌شناسان و روانشناسان برای آن راه حل منطقی و علمی پیدا نکنند پیامدهای ناگواری در انتظار جامعه خواهد بود. افزایش جرائم در جامعه و وضعیت موجود معلول رویکردهای کوتاه مدت نیست و بلکه برای بررسی این پدیده اجتماعی باید رویکردهای کلی و بلندمدت جامعه را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. هدف ما در این گفت‌وگو بررسی این موضوعات و چرایی افزایش جرائم در جامعه با عبدالصمد خرمشاهی، جرم‌شناس و وکیل دادگستری گفت‌وگو کرده است. خرمشاهی معتقد است: «با دقت به جرائم رخ داده در کشور متوجه می‌شویم جرائم نسبت به گذشته خشن‌تر و بی‌پرده‌تر شده و دوم اینکه قبح جرم در جامعه در حال ریختن است و بسیاری از مجرمان با علم به عاقبت کار خود دست به ارتکاب جرم می‌زنند. همه این اتفاقات نشان می‌دهد که جامعه به سمت خشن‌تر در حال حرکت است و اگر جامعه‌شناسان و روانشناسان برای آن راه حل منطقی و علمی پیدا نکنند پیامدهای ناگواری در انتظار جامعه خواهد بود. افزایش جرائم در جامعه و وضعیت موجود معلول رویکردهای کوتاه مدت نیست و بلکه برای بررسی این پدیده اجتماعی باید رویکردهای کلی و بلندمدت جامعه را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

نکته مهم این است که افراد مشهوری که برای این کمپانی کوروش تبلیغات انجام داده‌اند خواسته یا ناخواسته شرایط وقوع جرم را تسهیل کرده‌اند. مردم با اعتبار و اعتماد به تبلیغات افراد مشهور به این شرکت اعتماد کردند و کلاه سرشان رفت. به همین دلیل مسئولیت متوجه این افراد است. ممکن است از جنبه کیفری مثلاً عنوان کنند ما نمی‌دانستیم و سوء نیت نداشتیم اما در زمینه مسئولیت مدنی باید پاسخگو باشند زیرا به مردم خسارت وارد شده است

نگره

خط قرمز جنگ غزه کجاست؟

موضع گیری مبهم غربی‌ها

چند ماه از جنگ غزه می‌گذرد با این حال، هنوز علامت سوال‌های جدی و قابل تاملی در قالب این جنگ سر جای خود باقی مانده‌اند. به عنوان مثال هنوز مشخص نیست که سرنوشت این جنگ چه خواهد بود؟ هنوز معلوم نیست که در چه نقطه‌ای جنگ غزه می‌تواند به انفجار یک جنگ گسترده‌تر منطقه‌ای ختم شود؟ آیا اسرائیل به دنبال آن است تا دامنه جنگ غزه را به لبنان بکشد؟ آیا اساساً ایده نابود شدن جریان مقاومت فلسطینی منطقی و دست یافتنی است؟ چرا اسرائیل علی‌رغم طرح مواضع و ژست‌های توأم با قدرت، در مدت اخیر کنشگری‌های فعالی را با محوریت دستیابی به یک توافق آتش‌بس با حماس در دستور کار قرار داده است؟ و هزاران سوال دیگر که هنوز پاسخ روشنی برای آن‌ها وجود ندارد. با این همه یکی از علامت سوال‌های مهم و جدی در بجزوچه جنگ غزه این بوده که به نظر می‌رسد خط قرمزهای ترسیم شده در این جنگ چندان مشخص و معلوم نیستند. به عنوان مثال، رژیم اسرائیل تأکید کرده که خط قرمز آن در مورد جنگ غزه محقق شدن اهداف سه‌گانه‌اش یعنی نابودی حماس، آزادسازی اسرای این رژیم و در عین حال حصول اطمینان خاطر مبنی بر اینکه هیچ حمله‌ای از میدا نوار غزه علیه اراضی اشغالی صورت نخواهد گرفت، است. با این حال، اسرائیل در وضعیت کنونی با خط قرمزها و اهداف تعیین شده از سوی خود در جنگ غزه فاصله زیادی دارد و مشخص نیست که برنامه عملی آن برای تحقق آن‌ها چیست. در نقطه مقابل، محور مقاومت نیز خط قرمزهای خود را به نحوی تعریف کرده که تا حد زیادی تابعی از تحولات میدانی هستند و معلوم نیست که چه زمان می‌تواند ماهیت انفجاری به خود بگیرد. به بیان ساده‌تر، اینطور به نظر می‌رسد که محور مقاومت عمده تمرکز سیاسی و عملیاتی خود را بر کندن ماشین جنگی اسرائیل در نوار غزه معطوف کرده و در همین بجزوچه خطوط قرمز چندگانه‌ای را نیز در دستور کار قرار داده است. دولت آمریکا نیز به عنوان اصلی‌ترین متحد غربی اسرائیل، خط قرمزهای مبهمی در بجزوچه جنگ غزه دارد. این دولت از ضرورت عدم حمله زمینی ارتش اسرائیل به رفح سخن می‌گوید با این حال، مقام‌های ارشد آمریکایی به این مسأله نیز اشاره می‌کنند که حمله به رفح باید با توجه به یک طرح و برنامه دقیق صورت گیرد تا غیرنظامیان آسیب نبینند و در واقع معلوم نیست که چرا واشنگتن این نگران دارد که اسرائیل که تاکنون موجب شهادت بیش از ۳۰ هزار نفر در بجزوچه جنگ غزه شده، اکنون به خط قرمزهای ترسیم شده از سوی آمریکا و سایر دیگر دولت‌های جهان در بجزوچه جنگ مذکور توجه خواهد کرد؟ در این چارچوب، ما با فضایی روبه‌رو هستیم که در آن مجموعه‌ای از خط قرمزها وجود دارند و مشخص نیست منطقه نقض آن‌ها دقیقاً کجاست؟ این در حالی است که مقام‌های ارشد غربی، اسرائیلی و منطقه‌ای، مرتب از خط قرمزهای خود در جریان جنگ غزه سخن می‌گویند و هشدارهای مختلفی را نیز با محوریت آن‌ها مطرح می‌کنند.

نکته مهم

به نظر می‌رسد که در رابطه با وضعیت مذکور، توجه به ۳ نکته، مهم و محوری ضروری است. اولاً، بخشی از موضع‌گیری‌های صریح مقام‌های ارشد دولتی مختلف در بجزوچه جنگ غزه، تابعی از مسائل روانی و رسانه‌ای است و به این حوزه نظر و توجه دارد. از این رو، این مقام‌ها با طرح و ترسیم خط قرمزهای مختلف، به نوعی در حال مدیریت معادلات روانی در بجزوچه جنگ غزه هستند و سعی دارند تا پالس‌های معناداری را به طرف‌های رقیب و دشمن خود برسانند. در این چارچوب، ترسیم خطوط قرمز از سوی رهبران و سیاستمداران مختلف، بایستی با توجه به سبب‌ها و شرایط مختلف، مسائل رسانه‌ای و تبلیغاتی که از وزن و قدرت اثرگذاری در میدان‌های جنگ غزه برخوردارند، درک شود. دوم اینکه عملیات هفتم اکتبر و جنگ غزه که به معنای واقعی کلمه رویدادهایی بوده‌اند که می‌توان آن‌ها به مثابه نقاط عطف در چارچوب معادلات منطقه غرب آسیا یاد کرد. از این رو، این رویدادها ایجادکننده تحولاتی بوده‌اند که شاید بسیاری انتظار آن‌ها را نداشته‌اند و اساساً به همین دلیل هم است که تحولات میدانی جنگ غزه، در نوع کنش بازیگران مختلف که به نوعی با معادله جنگ مذکور مرتبط هستند، ایفای نقش می‌کنند و از قدرت اثرگذاری برخوردارند. این همان نکته‌ای بود که سید حسن نصرا... دبیبر کل حزب... لبنان نیز در یکی از سخنرانی‌های خود به آن اشاره کرد و تأکید نمود که شکل جنگ و دیگری‌های جاری در منطقه به نحوی است که بایستی نگاه‌ها به میدان باشد و پاسخ‌ها و تحرکات در میدان انجام شود و سپس به موضوع‌گیری و طرح تحلیل در رابطه با آنها پرداخته شود. اساساً به همین دلیل هم است که تغییر و تحول در معادلات و خط قرمزها به قدری سریع و جدی است که تعیین مرزبندی برای خطوط قرمز طرف‌های مختلف منطقه‌ای را به یک حرکت سخت تبدیل کرده‌است.